

در شرایطی که کشور هنوز درگیر تبعات امنیتی و اجتماعی وقایع دی‌ماه است، تصمیم برخی دانشگاه‌ها برای بازگشایی حضوری کلاس‌ها و برگزاری منظم امتحانات، واکنش‌های متفاوتی را در پی داشته است. این تصمیم در حالی اتخاذ شده که نگرانی از نفوذ پروژه‌های رسانه‌ای دشمن و احتمال سوءاستفاده از فضای دانشگاه برای ادامه ناآرامی‌ها وجود داشت.

بر اساس اسناد منتشر شده و اعتراضات رسمی منابع آمریکایی و صهیونیستی، سناریوی دشمن برای ناآرام‌سازی ایران، طراحی پروژه‌ای پیچیده با محوریت «کشته‌سازی» و تحریک عواطف عمومی بوده است. این پروژه که مقدمه‌ای برای توجیه مداخلات بعدی طراحی شده بود، اگرچه در فاز نخست یعنی کشته‌سته سازی پیش رفت، اما با هوشیاری و حضور آگاهانه مردم، در دامنه‌گستر ی فراگیر ناکام ماند و به همان دو، سه روز دی‌ماه محدود شد.

با این حال به هر دلیلی ممکن است برخی دانشجویان متوجه پیچیدگی‌های امنیت ملی در این زمان خاص که تهدیدات خارجی وجود دارد نباشند و نتوانند تبعات اقداماتشان را پیش‌بینی کنند؛ در میانه این بحران، مدیران دانشگاهی با یک دوگانه مهم مواجه شدند: از یک سو نگرانی از تبدیل شدن فضای دانشگاه به مکانی برای دعوت و درگیری‌های احتمالی و سوءاستفاده خارجی و از سوی دیگر، ضرورت تلاوم جریان علم و آموزش بدون وقفه.

بر اساس این گزارش، برخی مدیران دانشگاه‌ها با احتیاط‌کاری و به دلیل نگرانی از سوءاستفاده گروه‌های معاند از فضای دانشجویی، تصمیم به مجازی‌سازی امتحانات و تأخیر در آغاز نیم‌سال تحصیلی گرفتند. اما در مقابل، شماری از رؤسای دانشگاه‌ها با تدبیری دیگر، اخیراً کلاس‌ها را به صورت حضوری برگزار کردند؛ تصمیمی که به گفته تحلیلگران، حاوی پیامی فراتر از یک انتخاب اداری ساده است.

تحلیلگران مسائل دانشگاهی معتقدند اصرار بر بازگشایی دانشگاه‌ها، دلایل راهبردی زیسر را دنبال می‌کند:

۱. تعطیل‌ناپذیری عرصه علم: دانشگاه به عنوان نماد آیندسازی کشور، نباید به هیچ پهنه‌ای تعطیل شود. توقف تحصیل دانشجویان، دقیقاً همان هدفی است که دشمن در پروژه نامنی دنبال می‌کند.
۲. فضای دانشگاه: بهترین بستر برای اعتراضات معقول؛ یکی از مهم‌ترین دلایل هوشمندی بازگشایی دانشگاه‌ها، این است که فضای دانشگاه‌ها به عنوان محیطی امن و تحت قوانین مشخص، بهترین مکان برای اعتراض یا تخلیه هیجانات دانشجویی است، حتی اگر این هیجانات گاه در قالب شعارهایی بروز کند که پیش از آنکه بازتابی از واقعیت باشد، حکایت از خلا اطلاعاتی تاریخی دارد.
۳. خنثی‌سازی پروژه دشمن: دشمن به دنبال انتقال بحران از خیابان به دانشگاه و برعکس است. با باز بودن

انتشار فراخوان همایش ملی

کنفرانس خبری و مراسم رونمایی از پوستر نخستین همایش ملی «ایران آینده، از علم تا اقتدار» در دانشگاه علم و صنعت ایران در مجتمع امام خمینی دانشگاه علم و صنعت ایران برگزار شد. در این نشست ضمن تشریح فعالیت‌های انجام شده و برنامه‌های پیش‌بینی شده، اهداف کلان این رویداد مهم ملی مورد تأکید قرار گرفت.

در ابتدای این نشست، دکتر احمدرضا شاه‌علی (دبیر همایش) و مدیر گروه معارف اسلامی دانشگاه علم و صنعت ایران) اظهار داشت: مقام معظم رهبری در ابتدای همراه امسال یک سخنرانی داشتند که فرمودند راه علاج پیشرفت کشور قوی شدن است و اگر قوی شدید آن وقت دشمن تهدید هم نمی‌کند. معظم‌له در انتهای سخنانشان اشاره داشتند که باید افراد هوشمند و صاحبانظران دلسوز، بنشینند و راه‌های تقویت کشور را پیدا کنند و آنها را دنبال کنند. در این راستا ما احساس کردیم به منظور برون رفت از مشکلات داخلی و خارجی به ویژه تهدیدات دشمنان بهتر آن است که به همایش علمی را برگزار کنیم که نتایج آن بتواند به نظام و ساختار آن کمک کند.

وی اظهار داشت: گروه معارف اسلامی دانشگاه علم و صنعت ایران تصمیم به برگزاری یک همایش ملی با نام «ایران آینده، از علم تا اقتدار» در این خصوص گرفت تا با استفاده از ظرفیت دانشگاه‌های کشور و صاحب نظران، بتوانیم



دموکراسی همان‌طور که از نامش پیداست، عبارت است از قدرتی که به دست مردم و به انتخاب آنها در رأس قرار می‌گیرد. به تعبیر بهتر، قدرت نشأت‌یافته از مردم را دموکراسی گویند. امروزه این روش حکمرانی در کشور ما نیز کاربرد دارد که از آن به‌عنوان «جمهوری اسلامی» یا «مردم‌سالاری دینی» نام برده می‌شود. البته این مفهوم در ایران ما یک تفاوت اساسی با مفاهیم رایج از جمهوریت معض در سایر کشورها دارد، و آن این است که پسوند‌های «اسلامی» و «دینی» به نوعی فیلتر و تنظیم‌کننده واژه «دموکراسی» به‌شمار می‌روند.

اما تعیین حدود و نفور اختیارات دین در برابر جمهوری تا چه میزان خواهد بود؛ و اینکه چنانچه خواسته اکثریت در مقابل شرع مقدس قرار گیرد، آنگاه کدام یک بر دیگری چربش و غلبه خواهند داشت؟

بسیارند افرادی که عبارت «مردم‌سالاری دینی» را تنها در بخش نخست آن خلاصه کرده و واژه «دین» را به‌عنوان زینت‌بخش عبارت «مردم‌سالاری»، تعبیر و تفسیر می‌کنند. از دموکراسی یا مشارکت جمعی، به‌عنوان یکی از سبک‌های متداول در شیوه اداره جهان امروز یاد می‌شود. شیوه‌ای که نظرات اکثریت از طریق انتخابات با رفتارندوم در انتخاب راه و روش در شئون مختلف حکومتی اعمال می‌شود.

باز گشایی دانشگاه یک «تدبیر راهبردی»



دانشگاه، جریان طبیعی زندگی علمی جاری می‌ماند و فرصت سوءاستفاده از فضاهای بسته و تجمع‌ت پنهان کاهش می‌یابد.

یکی از نسکات تأمل‌برانگیز در تحولات اخیر، حضور دانشجویانی است که گاه شعارهایی در حمایت از جریان‌های سلطنت‌طلب و مفسد سر می‌دهند. این پدیده اگرچه مربوط به اقلیت محدودی در دانشگاه است اما همین میزان کم هم برای بسیاری از نظران همراه با تعجب و تأسف همراه است و نشان‌دهنده شکاف عمیق اطلاعاتی و خلأ تاریخی در میان نسلی است که تجربه زیست در آن دوران را ندارد.

یک استاد دانشگاه در گفت‌وگو با خبرگزاری فارس اظهار می‌دارد: «می‌توان از جوانی که تنها تصویرش از دوران پهلوی را از شبکه‌های ماهواره‌ای و فضای مجازی

گفته، توقع تحلیل تاریخی عمیق داشت. او نمی‌داند اگر همین شعارهایی که امروز در امنیت کامل در دانشگاه سر می‌دهد، پنجاه سال پیش در کوچه و خیابان رزمه می‌شد، چه سرنوشتی در انتظارش بود. این ما هستیم که در انتقال تجربیات تاریخی کوتاهی کردیم.»

این اسناد دانشگاه ادامه می‌دهد: «شاید اگر آن جوان می‌دانست که در دوران مدعیان امروزی آزادی، کوچک‌ترین اعتراضی با شکسته‌های ساواک و سال‌ها زندان پاسخ داده می‌شد، نگاهش به گذشته و حال تغییر می‌کرد. اما این آگاهی باید با زبان دلسوزانه و انقاعی به او منتقل شده بود، با سرزنش و تحقیر.»

شاید مهم‌ترین تفاوتی که در مواجهه با این پدیده‌ها خودنمایی می‌کند، ظرفیت بالای نظام برای تحمل انتقاد و حتی شعارهای تند است. جایی که دانشجو می‌تواند در

یزدی عضو هیئت علمی دانشگاه تهران؛ محور سیاسی (دکتر سید جلال دهقانی فیروزآبادی عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبایی)؛ محور فرهنگی (حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر فریضی عضو هیئت علمی دانشگاه علم و صنعت ایران)؛ محور امنیتی (دکتر اصغر افتخاری عضو هیئت علمی و رئیس دانشگاه امام صادق)؛ و در نهایت محور علوم پایه و مهندسی (دکتر فتحیان عضو هیئت علمی دانشگاه علم و صنعت ایران).

دکتر شهادعلی درباره کمیته علمی همایش گفت: کمیته علمی به‌عنوان مژغ متفکر همایش در تعیین محورها، موضوعات و داوری مقالات نقش‌آفرینی خواهد کرد و از ظرفیت علمی دانشگاه‌های حامی و نیز اساتید دانشگاه‌های تهران و برخی دانشگاه‌های خارج از تهران نیز استفاده خواهد شد تا از دیدگاه‌های متنوع بهره ببریم. دبیر همایش با اشاره به برنامه‌های پیش رو تصریح کرد: پس از رونمایی رسمی پوستر، فراخوان ارسال مقالات به‌صورت سراسری آغاز می‌شود. بدین وسیله از همه اساتید، صاحب‌نظران، اهل قلم و گروه‌های معارف اسلامی سراسر کشور دعوت می‌کنیم با ارائه مقالات علمی خود ما در بررسی مسائل کشور یاری کنند. لازم به ذکر است، علاقه‌مندان می‌توانند جهت کسب اطلاعات بیشتر به تارنمای رسمی همایش به نشانی **justacir.Fil** مراجعه نمایند.

دانشگاه

Daneshgah@Kayhan.ir

بیش از آنکه با جایگاه یک دانشجوی تراز ملی هماهنگ باشد، یادآور دغدغه‌های سطحی و وارداتی است. از تجمع برای مختلط شدن سلف سرویس‌ها گرفته تا فحاشی‌های زبکی که نشان از نوعی سرکشتگی هویتی دارد.

یک جامعه‌شناس در این باره می‌گوید: «وقتی نسل جوان دچار بحران هویت می‌شود و از معنویت و ریشه‌های فرهنگی خود فاصله می‌گیرد، طبیعی است که دغدغه‌هایش نیز سطحی و گاه وارداتی می‌شود. این‌جا نه جای سرزنش دانشجو، بلکه جای تأمل برای ماست که چرا نتوانسته‌ایم پاسخ مناسبی به نیازهای فکری و عاطفی او بدهیم.»

با این حال، تأکید تحلیلگران بر این است که «آزادی بیان دانشجویی» به معنای بی‌قانونی و به خطر افتادن امنیت جانی دانشجویان نیست. حادثه اخیر در دانشگاه شریف که منجر به کشف سلاح سرد از یک فرد مهاجم شد، نشان داد که خط قرمز نظام دانشگاهی، سلامت فیزیکی دانشجویان است. باز بودن دانشگاه به معنای مماشات با خشونت نیست. هرگونه اقدام به ضرب و جرح یا حمل سلاح، فارغ از هر گرایش سیاسی، باید توسط حراست دانشگاه و مراجع قضائی پیگیری شود تا فضای علمی کشور به محیطی امن برای همه سلاقی تبدیل شود.

به نظر می‌رسد تجربه دی‌ماه و روزهای پس از آن، یک درس مهم به مدیران آموزشی داد: در شرایطی که دشمن به دنبال تحریک احساسات و کشته‌سازی است، بهترین راهبر، حفظ جریان عادی زندگی و علم، همراه با فعال‌سازی کرسی‌های آزاداندیشی است.

فضای دانشگاه بهترین مکان برای اصلاح روایت‌های تاریخی و بازتعریف واقعیت‌هاست، مشروط بر اینکه: امنیت فیزیکی دانشجویان تضمین شود. کرسی‌های بحث و آزاداندیشی بیش از پیش فعال گردند. به دانشجویان فرصت داده شود تا با استدلال و منطقی، تصویر درست از واقعیت را دریابند. و مهم‌تر از همه، با زبانی دلسوزانه و به دور از سرزنش، خلاهای اطلاعاتی آن‌ها پر شود. بنابراین تصمیم منطقی رؤسای دانشگاه‌ها برای بازگشایی حضوری مراکز علمی، اگرچه با حاشیه‌هایی همراه است، اما گامی ضروری برای خنثی‌سازی پروژه دشمن و حفظ هویت علمی کشور محسوب می‌شود. آنچه اکنون اهمیت دارد، حفظ تعادل میان «آزادی بیان دانشجویی» و «امنیت پایدار» در محیط دانشگاه است. دانشجو باید بداند که می‌تواند اعتراض کند، اس‌ا در عین حال باید بدانند که امنیت خودی است که کمتر در تاریخ معاصر ایران سابقه داشته است. نظام جمهوری اسلامی با این رفتار، عملاً تفاوت خود با رژیم گذشته را به تصویر می‌کشد؛ زندان پاسخ داده می‌شد، نگاهش به گذشته و حال تغییر می‌کرد. اما این آگاهی باید با زبان دلسوزانه و انقاعی به تصویر وارونه‌ای از واقعیت دارند.

موج خستگی از تأملات به سطح مطالبات ودغدغه‌های مطرح‌شده از سوی برخی دانشجویان بازمی‌گردد. در

سال‌های اخیر، گاه شاهد طرح خواسته‌هایی بودهایم که

تاریخ و هویت ملی باشد.



دکتر شهادعلی با اشاره به زمان‌بندی‌های مهم همایش گفت: در این دوره تصمیم گرفتیم دریافت چکیده نداشته باشیم و مقالات به‌صورت کامل ارسال شوند. مهلت ارسال کامل مقالات تا پایان فروردین‌ماه ۱۴۰۵ تعیین شده است که در صورت ضرورت، تا یک هفته نیز تمدید خواهد شد. نتایج داوری مقالات نیز حداکثر تا ۱۵ اردیبهشت‌ماه ۱۴۰۵ از طریق وبسایت همایش اعلام خواهد شد و زمان برگزاری اختتامیه همایش نیز چهارشنبه ۲۳ اردیبهشت‌ماه ۱۴۰۵ است.

عضو هیئت علمی دانشگاه علم و صنعت ادامه داد: تا زمان برگزاری همایش، تلاش می‌کنیم پیش‌نشت‌های تخصصی در دانشگاه‌های علامه طباطبائی، تهران، امام‌صادق(ع)، علم و صنعت

ایران، شاهد، تربیت مدرس، صنعتی اصفهان، اصفهان، تبریز، پژوهشکده تحقیقات راهبردی مجمع تشخیص مصلحت نظام و برخی دیگر از مراکز علمی نیز برگزار نماییم که هماهنگی‌هایی هم صورت گرفته است.

وی با اشاره به رویکرد محتوایی همایش اظهار کرد: در انتخاب عنوان و چارچوب همایش تلاش کردیم دقیق و هدفمند عمل کنیم. تأکید ما بر شمولیت جمهوری و اسلامیت در قالب نظام جمهوری اسلامی بودند. همچنین از انتخاب مقالات برتر، درباره‌خ همایش از چاپ این مقالات در مجلات علمی پژوهشی حمایت خواهد کرد. همچنین در روز برگزاری همایش، شش پنل تخصصی برگزار می‌شود که مقالات برتر به‌صورت ارائه شفاهی و نیز در قالب پوستر به نمایش گذاشته خواهد شد.

جمهوریت اسلام

در آیین اسلام نیز به استفاده از نظرات عموم مردم و مشورت با آنان در امور حکومتی توصیه و سفارش فراوان شده است. مقام کریم به دفعات از واژه «شورا» و مشتقات آن اشاره کرده که این خود دلیل محکمی است بر الزام و پایبندی شریعت اسلام بر مشورت و دخالت رای احساد مردم در تصمیم‌گیری‌های کلان. همچنین با رجوع به روایات متعدد، درمی یابیم که رسول گرامی اسلام(نیز) در بسیاری از امور با مردم مشورت می‌کردند و برای نظرات

مردم اهمیت ویژه‌ای قائل بودند. در جریان پیروزی انقلاب اسلامی نیز امام خمینی(ره) بیان کلیدواژه‌های ماندگاری همچون: «میزان رای ملت است» و «مردم ولی نعمت ما هستند.» تصمیم و نظر ملت را فصل‌الخطاب می‌دانستند و بر مقبولیت مردمی نظام تأکید بسیار داشتند.

اما بسی ساده‌انگارانه خواهد بود اگر تصور کنیم که منظور امام راحل(ره) از ایراد چنین سخنانی، اعمال رای مستقیم مردم بدون هیچ‌گونه نظرات شرعی و دینی بر آن بوده است. بنیانگذار کبیر انقلاب در همین رابطه می‌فرمایند: «رای مردم در مقابل حکم خدا، رای نیست؛ ضلالت است.»(صحیفه نور، ج ۸، ص ۲۸)

ایشان همچنین در جای دیگری فرمودند: «از آن اولی که صحبت جمهوری اسلامی شد، اینها شروع کردند به کارشکنی، به اینکه ما هم بگوییم جمهوری، اسلامی‌اش چیست؟! و عجب این بود که می‌گفتند ملت هم جمهوری می‌خواهد. جمهوری اسلامی یعنی چه؟! تا اینکه نگارند اسلام، پایش تو کار بیاید. جمهوری، همه کاری می‌شود با آن کرد؛ اما اگر جمهوری اسلامی باشد، اسلام نمی‌گذارد کسی کاری بکند. یک دسته دیگر تراشیدند، بگویند جمهوری دموکراتیک، باز از اسلامش فرار می‌کردند، یک دسته سومی هم که یک خرده می‌خواستند نزدیک‌تر بشوند و بازی بدهند ما را، گفتند جمهوری اسلامی دموکراتیک. این هم غلط بود. ما همه اینها را گفتیم. قبول نداریم.»(صحیفه نور، ج ۱۱، ص ۲۸۰)

بر همین اساس بود که ایجاد شورای نگهبان قانون اساسی به دلیل تطابق قوانین با

صفحه ۷

پنجشنبه ۷ اسفند ۱۴۰۴

۸ رمضان ۱۴۴۷ – شماره ۲۴۰۸۸

دانشگاه جای چاقو کشی نیست!



حادثه تلخ درگیری در دانشگاه صنعتی شریف و کشف سلاح سرد از یکی از مهاجمان، علاوه بر نگرانی‌های امنیتی، یک گفتمان حقوقی و اجتماعی دربرین‌ه را در فضای عمومی و دانشگاهی کشور داغ کرده است:

آیا «دانشجو بودن» می‌تواند به عنوان «کانهنده مسئولیت» یا

افزاینده مسئولیت در برابر پیگرد قانونی عمل کند؟ یا اینکه لباس دانشگاهی، نه‌تنها مسئولیت‌بخش نیست، بلکه در صورت انحراف، مسئولیت را دوچندان می‌کند؟

این پرسش که این روزها در محافل مجازسی و حضوری دانشگاهیان دست به دست

می‌شود، ریشه در دو نگاه کاملاً متفاوت به جایگاه اجتماعی قشر دانشجو دارد.

گروهی از فعالان و تحلیلگران مسائل دانشگاهی معتقدند که قشر دانشجو به دلیل قرار گرفتن در سنگر علم و پژوهش، همواره در تاریخ این ملت از قدامتی خاص برخوردار بوده است. به باور این افراد: دانشجو، سرمایه ملی است. دانشجویان به عنوان آینه‌سازان کشور، باید در محیطی امن و آغری از تنش‌های شدید امنیتی به تحصیل بپردازند و کش اجتماعی بیاموزد.

برخورد قضائی شدید، مانع رشد علمی و اجتماعی می‌شود؛ برخورد سلبی و قضائی با خطاهای دانشجویان، فضای دانشگاه را به محیطی امنیتی تبدیل کرده و خلاقیت و جسارت را از بین می‌برد. اولویت، اصلاح است نه تنبیه؛ در این نگاه، خطای سیاسی یا اخلاقی دانشجو باید از مسیر مشاوره، آموزش و تذکر اصلاح شود، نه از طریق زندان و زند.

این دسته معتقدند که اگر هر خطائی در دانشگاه با شدید‌تر وجه ممکن برخورد شود، دیگر نمی‌توان انتظار داشت دانشگاه به عنوان «کانون اندیشه‌ورزی» به رسالت خود عمل کند. از نگاه آن‌ها، حادثه شریف باید با صبوری و درون‌نگشاهی حل‌وفصل شود تا فرونده در خطای به مراجع قضائی کشیده نشود.

در سوی دیگر میدان، طیف وسیعی از حقوقدانان و تحلیلگران سیاسی- اجتماعی قرار دارند که با اشاره به تجربه تلخ تاریخی، استدلال می‌کنند که «لباس مقدس» دانشگاه نمی‌تواند پوششی برای انحراف و جرم باشد. آن‌ها برای اثبات مدعای خود به اسامی شنیده‌شده‌ای اشاره می‌کنند:

« مسعود رجوی: از دانشجویان دانشگاه تهران که بعدها به رهبری گروهک تروریستی منافقین تبدیل شد و جنایت‌های بی‌شماری علیه مردم ایران مرتکب گردید.

« احمدرضا جلالی (متمم به جاسوسی): پزشک و دانشجو نمونه دانشگاه شهید بهشتی که به اتهام جاسوسی به نفع یک کشور خارجی محکوم شد.

طرفداران این دیدگاه استدلال می‌کنند اگر امثال رجول خود «دانشجو» بودند، آیا باید به دلیل قدامت این لباس از چشم قانون پنهان می‌ماندند؟ انحراف، مزم نخب‌شناسد. ممکن است یک دانشجو، یک طلبه، یک استاد یا یک کارمند ساده تصمیم طغیان اجتماعی بگیرد، در این صورت، قانون باید بدون اغماض یا او برخورد کند.»

در اینجا باید بدین طبقه خاص در جامعه دلمن می‌زند که نتیجه آن ایجاد دوگانگی ناخوشایند در اجرای عدالت است.

راواکش به حادنه اخیر دانشگاه شریف، بسیاری از کاربران فضای مجازی بر این نکته تأکید دارند که نباید حالت امنی نامعاف سیاسی» و «جرم‌گیری» را برداشت.

اعتراض سیاسی و شمار دادن (حتی اگر تند باشد) ممکن است در چارچوب نقد و اعتراض دانشجویی تعبیر نشود و پیامزند گفتوگو باشد. اما حمل سلاح سرد، درگیری فیزیکی و اقدام به ضرب و جرح، جرمی مشخص و عمومی است که در هر نقطه‌ای از شهر رخ دهد، عدلیه موظف به ورود به آن است.

به نظر می‌رسد افکار عمومی، در شوک قاره‌کشی در دانشگاه که نام علم در کشور انگشت به دهن مانده، تمایز روشنی بین این دو قائل شده است. حمله به سایر دانشجویان با سلاح سرد نه‌تنها مستوجب تعزیر و تادیب باردارنگ و قاطع قضائی است که ضربه به حیثیت علمی کشور است.

کارشناسان حقوقی معتقدند که ریشه این بحث به «نبود مرز مشخص میان تخلف صنفی و جرم عمومی» بازمی‌گردد. نهادهای دانشگاهی (نظام صنفی و انضباطی) منولی رسدگی به تخلفات صنفی و اخلاقی هستند، در حالی که مرجع رسدگی به قاره‌کشی و تبدیل دانشگاه به جامهبدان دستگاه قضائی است.

حادثه چاقوکشی در دانشگاه شریف یک زنگ خطر جدی است. اگر جامعه نتواند میان «مسئولیت مدنی» و «مسئولیت کیفری» تمایز قائل شود، با باید شاهد امنیتی شدن محیط دانشگاه باشیم، با شهادت بی‌کیفر افرادی که از لبلس دانشجویی به عنوان سبب برای ارتکاب جرم استفاده می‌کنند و هر غمی را با خونی دگر نگاه می‌دارند.

به نقل از خبرگزاری فارس، راجعل، نه در چشم‌پوششی از خطاست و نه در تعمیم جرم به همه؛ راجعل در عدالت بدون تبعیض؛ است؛ عدالتی که هم قدامت علمی دانشجو را بشناسد و هم در برابر قانون، او را در صنفی واحد با دیگر شهروندان رده دهد. نمی‌توان با در نظر نگرفتن حریم قانون آب در هاون کشت اجتماعی مضر کوبید و در مسیر تکامل سیاسی دانشجو با جان سایرین قمار کرد.

آشوب‌های اخیر در دانشگاه و نقش وزارت علوم

تنش‌های روزهای اخیر در دانشگاه‌هایی چون تهران، شریف، امیرکبیر و علم‌وصنعت را نمی‌توان رخسدادی منطقی یا خودجوش تلقی کرد. شواهد میدانی، گزارش‌های دانشجویی و تصاویر منتشر شده از این جمعیت نشان می‌دهد که فضای دانشگاه‌ها بار دیگر به سمت الگوهای آشنان آشوب، درگیری فیزیکی و کش‌های ساختار شکنانه سوق داده شده است.

نکته قابل تأمل آن‌جاست که این تحولات، فرسست و کش از دورهای رخ می‌دهد که وزارت علوم با تأکید بر «مدار»، «کاهش تنش» و آزادی برخی عناصر مسئله‌دار، تلاش کرد صورت‌بندی امنیتی حوادث دی‌ماه را تغییر دهد. نتیجه این رویکرد، اما نه آرامش پایدار، بلکه بازگشت سریع‌تر و رادیکال‌تر همان جریان‌هایی بود که پیش‌تر نیز نقش محوری در ملت‌پس‌سازی فضای دانشگاه ایفا کرده بودند.

سیاستی که به‌جای تفکیک روشن میان دانشجوی معترض و عنصر سازمان‌یافته آشوب، همه را ذیل یک عنوان کلی قرار داد، عملاً هزینه رفتارهای پرخطر را کاهش داد. در چنین شرایطی، پیام روشنی به بدنه رادیکال مخابره شد: بازگشت به دانشگاه بدون پرداخت هزینه جدی امکان‌پذیر است.

این پیام زمانی خطرناک‌تر شد که وزارت علوم، به‌جای حمایت از ساختارهای انتظامی و حفاظتی دانشگاه، مسیر برخورد با مدیران حراست را در پیش گرفت. اخراج یا کنارگذاشتن رؤسای حراست در چند دانشگاه مهم تهران، آن هم به‌دلیل مقابله با اغتشاشات، عملاً توازن مدیریت بحران را بر هم زد. قابل توجه آن که نام دو دانشگاهی که مدیران حراست آن‌ها در دی‌ماه عزل شده بودند، در میان کانون‌های اصلی تنش‌های اخیر دیده می‌شود؛ همزمانی که به‌سختی می‌توان آن را اتفاقی دانست.

وزارت علوم در عمل نشان داد که اولویت آن نه مهار جریان‌های سازمان‌یافته نام‌کننده، بلکه حفظ تصویر «دانشجویی به‌تقصیر» به هر قیمت است؛ حتی اگر این تصویرسازی، به تضعیف اقتدار مدیریتی دانشگاه و باز شدن دست عناصر رادیکال منجر شود. برجسته‌سازی عنوان دانشجو، جایگزین پاسخ‌گویی درباره رفتارهایی شد که هیچ نسبتی با کشت آکادمیک یا اعتراض صنفی ندارد.

در چنین وضعیت، پرسش اصلی دیگر «چه کسی مقصر است؟» نیست، بلکه این است که وزارت علوم تا چه اندازه آماده پذیرش تبعات سیاست‌های خود خواهد بود. وقتی امنیت دانشگاه تضعیف می‌شود، اولی قربانیان آن نه مدیران پشت میز، بلکه دانشجویانی هستند که محیط قضائی را برای تحصیل، نه میدان درگیری، انتخاب کرده‌اند.

به نقل از رجانیوز؛ تجربه هفته‌های اخیر نشان می‌دهد که سیاست تساهل بدون مرز، نه‌تنها مانع بازتولید آشوب نمی‌شود، بلکه آن را جسورتر و پرهزینه‌تر بازمی‌گرداند. وزارت علوم اگر قصد مدیریت واقعی دانشگاه و دارد، ناگزیر است میان «آرام‌سازی» و «هماشات» خط تمایز روشنی ترسیم کند؛ در غیر این صورت، مسئولیت بازگشت نامنی به دانشگاه‌ها، مستقیماً متوجه تصمیم‌سازان این مسیر خواهد بود.



مقامات دانشگاهی در جریان مراسم دانش آموزگانی در دانشگاه علوم انتظامی

